

«به نام خداوندِ جان و خرد
کزین برتر، اندیشه برنگذرد»

ایران:

گاهواره‌ی آدیان

(سال یکم - شماره سوم
بخش ۲)



آرمان آرین

(۱۳۸۶ - ۱۴۰۳)



«دین‌های باستانی»



الف - ایزدانِ دیرین در سرزمینِ ما (این شماره)

ب - مهرپرستان چگونه می‌اندیشیدند؟

پ - ایزد آب‌ها که بوده است؟

ت - زُرّوان، نگاهبانِ دَمادَم زمان

ث - دَساتیر و جهان‌ناشناخته‌ی آن

ج - ادیانِ شاه-پیامبرانِ ایرانی چه‌ها بوده‌اند؟

الف. ایزدانِ دیرین در سرزمینِ ما:

می‌گویند که در روزگاری بس کهن و دوردست، ذهن مردمان این سرزمین نیز همچون باقی ساکنان زمین، لبریز از پرستشِ موجوداتِ دیدنی و لمس‌شدنی بوده است: یعنی به همان اندازه‌ی دانش‌های کهن خویشتن به اجرام آسمانی و ستارگان عشق ورزیدن، داستان‌هایی از نیروهای گوناگون طبیعت و دخالت ارواح خبیث سُرودن، پیکره‌هایی از سنگ و چوب و سفال ساختن و کمی بعد، خود مَرعوب آنها شدن و به معابد و کاهنان همان ایزدان، جان و مال خویش باختن!

در میان ایزدان/فرشتگان کهن و مورد پرستش ایرانیان، نام سه تن بیش از بقیه برده شده و تا امروز نیز برجای مانده است: «مهر یا میترا / میثره» خدای پیمان و روشنایی، «زُرَوان» خدای زمان و «آناهیتا یا ناهید» خدای آب‌ها.

هیچ کس دقیقاً نمی‌داند از چه زمان یا توسط چه فرد یا افرادی، چنین موجودات خیال-انگیزی توسط مردمان ایران، تصور، کشف یا آفریده شدند اما آنچه مشخص است، در اذهان مردمان، آرام و خزنده، بر نیروی این ایزدان افزوده شد تا هر یک سرانجام، بسان خداوندگاری بس پُرنفوذ و توانمند ظاهر گشتند و دارای گنبد و بارگاه شدند.

حتی این امکان هست که آنان در اصل، انسان بوده باشند؛ یعنی مردان و زنانی نیرومند و مؤثر در عصر خود - نظیر رسول، فرمانروا یا مُصلح - که در تاریخی بس کهن برخاسته و در جوامع خویش اصلاحاتی بجا آورده باشند. آنگاه در پی درگذشت آنان، خاطره‌شان چنان ستوده شد که تا سرحدّ یک خدا یا موجودی ماوراءالطبیعی پنداشته شدند.

امکان دیگر نیز آن است که آنها نمادهای تجسّدیافته‌ی وقایع طبیعت بودند که بعدها در میان اساطیر و داستان‌های مردم قدیم، به موجوداتی مُتَشَخَّص (با شخصیت - دارای ابعاد قابل فهم انسانی و مادی) تبدیل شدند، برای هر حال و وضع‌شان، داستانی پدید آمد و شاخ‌وبرگ گرفت تا سرانجام مورد رازونباز دل آدمیان قرار گرفتند.

آنچه را که نباید از قلم انداخت، ترکیب عوامل بالا یا حتی عوامل بیشتری است که همواره می‌توانست به درصدهای مختلف رخ دهد، اما در هر حال، این نوع از آیین‌ها در فلات ایران و قبایل و ملل دور و نزدیکش، بسی قدیمی و ریشه‌دار بود و دست کم با پنج تا شش هزار سال دیرینگی با مُستندات تاریخی همراه است. در همین زمره‌اند بُت‌های برجای مانده از تمدن آراتا / آرت یا جیرفت، تثلیث خدایان چند هزار ساله‌ی ایلام (هومبان، کریریشه و اینشوشیناک) و هزاران بُت مفرغی تمدن لرستان در فاصله‌ی هزاره‌ی سوم تا یکم پیش از میلاد مسیح. *



پیکره ای مفرغین از تمدن لرستان - یک هزاره پیش از میلاد مسیح (۳۰۰۰ سال پیش)

این گونه بود که آهسته‌آهسته، برخی از قبایل و ملل ایرانی نیز - همچو باقی مردمان جهان - بارگاهی شلوغ از ایزدان گوناگون ساختند و برای هر بخش از طبیعت، اربابی جداگانه (فارغ از فکر خالص یکتاپرستی) قائل شدند.

* خبرگزاری مهر - غریب در خانه؛ آشنا در غربت / ۷۰۰۰ شیء مفرغی حسرت به دل نمایش
مانند، ۹ مرداد ۹۵

به یاری یکی از کهن‌ترین کتاب‌های مُستند برجای مانده از نیاکان ایرانی، می‌توان تصویرهایی از این زندگی دینی بشر، در ایرانی بس کهن را بازسازی کرد: «اوستا»؛ مجموعه‌ای سترگ از قدیمی‌ترین نوشتارهای ایرانیان باستان که پنج بخش (گاتها/یسنا - یشت‌ها - ویسپرد - خُرده‌اوستا - وندیداد) از ۲۱ بخش منسوب به آن، تا روزگار ما از آسیب روزگار محفوظ مانده است. *

عموم مردمان، اوستا را صرفاً کتاب دینی و مقدس متعلق به زرتشتیان می‌دانند اما باید گفت که اوستا، کتابی چند وجهی است. هم متون مقدس مزدایی در آن هست و هم می‌شود به وفور از دل آن، نکته‌هایی پژوهشی درباره باورهای پیشا-زرتشتی باز یافت که برخی از آنها در آغاز ظهور آشو زرتشت و توسط آن رسول بزرگ از میان برداشته شدند ولی بعدها از جهاتی دیگر دوباره به دین یکتاپرستی مزدیسنا وارد گشتند.

اوستا جز در پاره‌ی نخست خود - گات‌ها/گاٹا/گاهان - که سخنان و سروده‌های خود آشو زرتشت پیامبر است، در باقی بخش‌ها کمتر به تشریح عقاید یکتاپرستانه می‌پردازد و اغلب در وصف همان ایزدان/فرشتگانی است که با اغراق در نیروی آسمانی‌شان، پیش از ایشان پرستیده می‌شدند و سپس با تغییر شکل در جایگاه و حدود قدرت آنان تداوم یافتند.

موجوداتی آسمانی نظیر «مهر، ناهید و زروان» و دیگر ایزدانی که همگی قبل از ظهور آشو زرتشت، جایگاهی بس والا در میان مردمان داشتند اما با فراگیر شدن پیام آن پیام‌آور یکتاپرست، مبدل به فرشتگانی کوچک‌تر و حتی کمرنگ و فراموش شده در بارگاه اهورامزدا شدند.

* برای خواندن بهترین ترجمه‌ی فارسی از این دفترهای پنج‌گانه به کتاب «اوستا (دو جلدی) - برگردان: پرفسور جلیل دوستخواه - انتشارات مروارید» مراجعه بفرمایید.

فهرست مهم‌ترین این ایزدان کهن که در اوستا - به ویژه دفتر یشت‌ها - جایگاهی فرشته‌گون یافته‌اند، چنین می‌توان برشمرد:

۱. آذر (ایزد نگاهبان آتش) و چیستا (ایزد دانش).
۲. آخستی (ایزد صلح و آشتی) و همچنین ارمان/آرمان/ایریمن (ایزد دوستی، آرامش و پزشکی).
۳. آشهین (ایزد سپیده‌دم)، هاوَنَ (ایزد صبح تا ظهر)، ریتوین (ایزد بعدازظهر)، اویسروثریم (ایزد غروب) و اُزیرین (ایزد سر شب).
۴. آشی (آرت - ایزد نگاهبان گنج‌ها) و راتا (ایزد بخشنده‌گی).
۵. آندروای (ایزد فضا) و «رام» (ایزد هوا) و «تَواش» (ایزد جو).
۶. وات (ایزد باد) و تیشتر/تیشتر (ایزد باران).
۷. برجیه (ایزد نگاهبان بُشن‌ها و دانه‌ها).
۸. بهرام (ایزد جنگ) و همینطور ایزدانی به نام «آم» و «دامویش اویمَن» (ایزدان دلاوری و دلیری).
۹. داد (ایزد عدالت و دادگری) و «رشن» (ایزد دادگستری).
۱۰. دُرواسپ / گئوش (ایزد نگاهبان چهارپایان).
۱۱. دین (ایزد نگاهبان دین - محافظ آسایش زنان).
۱۲. رَسَستات (ایزد جوانمردی) و سَوَک (ایزد شادی و خوشی).
۱۳. سَروش (ایزد رساننده‌ی وحی / عام) و «نَریوسنگ» (ایزد پیام‌رسان خداوند / خاص).

۱۴. هدیش (ایزد نگهبان خانه)، نمانیه (ایزد نگهبان خانواده)، ویسیه (ایزد نگهبان روستا)، زنتوم (ایزد نگهبان بخش)، دخیوم (ایزد نگهبان ایالت و کشور) و زامیاد (ایزد نگاهبان زمین) و همینطور آرشتاد (ایزد افزایش زمین).



نیایشگاه و آرامگاه سلطنتی نمرود-داغ ترکیه با پیکره‌های ایزدان ایرانی و رومی،
سده‌ی یکم پیش از میلاد (دوران اشکانی)

این موجودات آسمانی و مینوی نامبرده و دیگر نام‌بردگانی که نگاهبان کارها و کارگزار امور دیگر در عالم بودند و نام‌شان در آوستا و متون باستانی دیگر نظیر بُندهش ایرانی برجای مانده، همگی با ظهور و انقلاب معنوی آشو زرتشت* از مسند قدرت‌های خدای گونه و مستقل برافتادند و به گروهی از فرشتگان معنوی که آفریده و مأمور از سوی اهورامزدا بودند، تغییر جایگاه دادند.

* آشو یعنی پاک / زرتشت پاک - حضرت زرتشت سپیتمان.

همچنین به موازات فهرست بلندبالای نام این ایزد/فرشتگان نیک کردار، نموداری از ایزدان منفی و شرور پدیدار شدند که دیوانی خرابکار بودند و برای ویرانی جهان و نابودی هستی می کوشیدند.

در چنین حال و هوایی، مغان و روحانیون ستاینده‌ی سه ایزد مهر، آناهیتا و زروان، بیش از باقی خدایان کهن، گوی سبقت را در حفظ باورداشت پیروان‌شان ربودند و توانستند بسیاری از عقاید دیرین را در دل آیین نوین زرتشت، زنده نگاه دارند. در این بین، البته ایزد «مهر/میترا» توانست بیش از همه در دل مردم ایران و حتی روم و هند، راه بگشاید و مورد باور، عشق و ستایش آنها قرار گیرد.

ادامه دارد...

«زایش مهر از دل یک صخره»

